

به مناسبت انتشار مجموعه داستان «نازنین»

گفتگو با علی تاجبخش

جمال آریان

گفتگو

جمال آریان: برای آشنایی بیشتر، در مورد سابقه مطبوعاتی خود برای خوانندگان توضیحی بفرمایید؟

علی تاجبخش: من از سال های اولیه ورود به دانشگاه در روزنامه «اطلاعات» شروع به نوشتن مقاله کردم. مقالاتی که شکل تفسیر سیاسی و اقتصادی داشت. همچنین در ستونی به نام «ستون انتقاد» مطالبی می نوشتم که یکی از نویسندگان قدیمی و مشهور به نام آقای «علی جواهر کلام» آن را شروع کرده بود. علاوه بر این داستان های کوتاهی را با نام مستعار «فت.فتی» می نوشتم که در نشریه «روشنفکر»، «سپید و سیاه» گاه به گاه چاپ می شد. گاهی هم برای مجله «فردوسی» می فرستادم. در ایران کتابی نوشتم به نام «مباحثی در مبادلات بین المللی» که کتاب تکنیکی اقتصادی بود و در برخی از دانشکده ها به عنوان مطالعه جنبی برای خواندن توصیه می شد. مدتی هم سردبیر مجله «اقتصاد و صنعت» بودم که آقای «صمد نامور» صاحب امتیازش بود.

جمال آریان: رابطه شما با داستان نویسی چگونه آغاز شد؟

علی تاجبخش: من از نوجوانی علاقه زیادی به کار نوشتن و بویژه داستان نویسی داشتم و در واقع از کلاس هشتم شروع به نوشتن کردم. پس از اخذ دیپلم شروع کردم به نوشتن داستان هایی برای مجلات مختلف که به تدریج نیز چاپ شد.

جمال آریان: از وقتی که به خارج از کشور آمدید چه فعالیت هایی را در پیش گرفتید؟

علی تاجبخش: از همان سال های اولیه ورود به آمریکا، به نوشتن ادامه دادم. مجله ای هم در دالاس تگزاس پایه گذاری کردم به نام «پارسی نامه» که ابتدا هفتگی و سپس ماهیانه بود و با تمامی کمبود ها و مشکلات، حدود یک سال و چند ماه مرتباً منتشر شد و بعد انتشارش متوقف شد. داستان های کوتاهی هم در این نشریه می نوشتم. علی رغم توقف انتشار این نشریه، کار نگارش من ادامه یافت.

جمال آریان: مجموعه داستان های «نازنین» چگونه شکل گرفت؟

علی تاجبخش: چند داستان این مجموعه بر می گردد به سال های گذشته که می نوشتم و کنار می گذاشتم. در چند سال اخیر چند داستان دیگر هم اضافه کردم که به تشویق دوستانی که بعضی از این داستان ها را برایشان بازخوانی کرده بودم، ترتیب انتشار شان را دادم. کتاب «نازنین» ده داستان کوتاه را شامل می شود.

جمال آریان: در داستان های شما در داستان های شما رابطه خیال و یادآوری گذشته با واقعیت های حال چگونه شکل پیدا کرده؟

علی تاجبخش: کار من شاید تلفیقی است از رؤیا، خاطره، تجربه و واقعیت. در

من و تو با خیال و توهم زندگی کرده ایم و حالا در این لحظات آخرین می اندیشیم که واقعی ترین عنصر حیات، خیال است. زندگی آیا بیش از یک قصه است؟ باید این قصه را در نظیر خود آغاز و تمام کنی.

لویس برنول؛ فیلمساز اسپانیایی

علی تاجبخش متولد تهران است، فوق لیسانس اقتصاد دارد و آخرین شغل رسمی ایشان پیش از انقلاب ۵۷ نمایندگی وزارت بازرگانی در بلژیک بوده است.

سابقه کار طولانی مطبوعاتی ایشان باز می گردد به عضویت هیئت تحریریه روزنامه اطلاعات، عضویت سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات و تدریس در دانشکده علوم ارتباطات پیش از وقوع انقلاب. مقالات و داستان های متعددی از ایشان در مجلات فردوسی، روشنفکر و خوشه منتشر شده است. در برون مرز نیز در نشریه «شهروند» ستون «چند مورد» را برای بحث و بررسی نکات سیاسی و اجتماعی زیر نظر داشته است.

وی که در حال حاضر مسئول «راديو صدای ایران» در دالاس تگزاس با نام «راديو ایران زمین» است، به تازگی مجموعه داستان «نازنین» را منتشر کرده است که مورد توجه علاقه مندان قرار گرفته است. به مناسبت انتشار کتاب، گفتگویی با آقای تاجبخش انجام داده ام که به نظر می رسانم.

ارتباط بین شخصیت هاست. شخصیت اصلی کتاب که در داستان «نازنین» حضوری رؤیایی دارد، تجربه ای عاشقانه را ارائه می دهد. در داستان های دیگر هم شخصیت ها به نوعی در ارتباط با هم زندگی می کنند و وجودشان متکی بر حضور و ارتباط با دیگری است.

جمال آریان: مسائل سیاسی مطرح در این مجموعه بویژه در داستان هایی چون «روستا» و «ثقی» چه جذابیتی برای شما دارند؟

علی تاجبخش: من نگاهم به یک سری شخصیت بود که یا با اعمالشان یا نام مشهورشان، فرصتی برای بروز در موقعیت های تخیلی من پیدا کنند. مثلاً در داستان «روستا»، من مشخصاً از نامی استفاده کردم که برای ایرانی ها، از زمان حکومت پهلوی نامی آشناست ولی در واقع هیچ ارتباطی بین واقعه اتفاق افتاده در داستان با شخصیتی به این نام وجود ندارد.

جمال آریان: دو داستان در ارتباط با به مسائل جمهوری اسلامی و انقلاب ۵۷ است: «ثقی» و «ابراهیمی». آنها چگونه در ذهن شما شکل گرفته اند؟

علی تاجبخش: «ثقی» و «ابراهیمی» دو شخصیت قابل لمس این روزگار هستند. یعنی ممکن است به آن صورت که در داستان آمده، کسی را با آن مشخصات پیدا نکنیم، اما در اطراف ما و در اخبار، آدم هایی با این ساختار کلیشه ای دیده و شنیده می شوند که در مسیر باد حرکت می کنند و صفاتشان را در رابطه با ایدئولوژی غالب تغییر می دهند. من بسیار شاهد این موقعیت بوده ام، و یا در مورد آن خوانده ام. و این مسأله همیشه برایم جذاب بوده تا



داستان حضور دارد، اما حضور او را از روی نشانه ها، مثلاً «ببری خان»، گریه و «ملیجک» برداشت می کنید، بدون این که ذکر نامی از شاه شده باشد. این تصور برای شما به وجود می آید که این شخصیت باید ناصرالدین شاه باشد، آن هم به دلیل وقایعی که در اطراف او در شب حادثه در داستان رخ می دهد. با همین منظور می خواستم این تجربه را داشته باشم که می توان واقعیت را با تخیل در هم آمیخت و داستانی عرضه کرد که هم روال واقعیت گرایانه داشته باشد هم عنصر خیال در بافت آن باشد.

جمال آریان: چه خط ارتباطی داستان های مجموعه را به هم پیوند می دهد؟

علی تاجبخش: در کل دو پرسوناژ یا شخصیت اصلی در این داستان ها هست که به نوعی مثبت یا منفی با هم ارتباط دارند. و به علاوه اینکه به گونه ای خط عاطفی و عاشقانه بین شخصیت ها قابل رویت است.

یکی از معیارهای انتخاب این داستان ها برای چاپ در مجموعه «نازنین» همین

این داستان ها من وزن را از برخی از شخصیت ها گرفتم، یعنی شخصیت ها را سبک کرده وارد داستان کردم که در واقع اگر آن شخصیت در داستان هم نمی بود روال داستان تغییری نمی کرد. برخی از نام های معروف در اسکت داستان شرکت دارند ولی در ساختار داستان آن اثری نمی گذارند. بطور مثال در داستان «درخشنده»، ایرج میرزا در پیک نیک یا مهمانی که رفته است با ذکر نمونه ای از شعرش به گونه ای شکسته وارد می شود و نشان می دهد که این شخصیت یک شخصیت تاریخی است، اما بدون اثر. از سویی دیگر، در این داستان زمان وقوع، زمانی تاریخی است که مشخصه خارجی ندارد، اما در مجموع بر می گردد به اواخر زمان قاجار یا اوایل دوره پهلوی، یعنی وجود نام ایرج میرزا آن را مشخص می کند. ولی این داستان نشانه های تاریخی مشخصی ندارد و قابل وقوع در هر زمانی است که به آن کلیتی همه زمانی می دهد. یا در داستان «ببری خان»، ناصرالدین شاه شخصیتی است که در

روزنامه‌ها و مجلات و رادیوهای مختلفی با من مصاحبه داشته‌اند. خانم مهشید امیرشاهی هم داستان را خوانده و شیوه نگارش من را تأیید کرده است. آقای کیخسرو بهروزی در «رادیو ایران» کتاب را معرفی کرده و مسعود اسدالهی نیز یکی از داستان‌ها را در یکی از برنامه‌هایشان خوانده است. استقبال از کتاب توسط خوانندگان و اظهارات آنان رضایت بخش است.

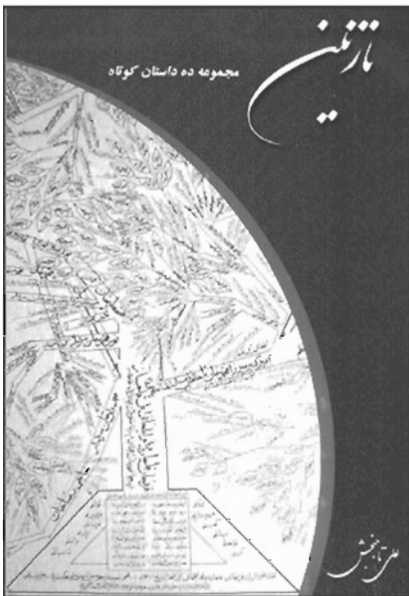
جمال آریان: ظاهراً در حال ضبط داستان‌ها بر روی سی‌دی و ارائه کتاب گویا هستید؟

علی تاجبخش: بله، اولین داستان یعنی «نازنین» را ضبط کرده‌ام و قرار است سایر داستان‌ها را نیز ضبط کنم. به نظر می‌رسد تجربه موفقی از کار در آید.

جمال آریان: با توجه به مبارزات پی‌گیر مردم در جهت کسب آزادی‌ها و حقوق آیا مایلید در این زمینه‌ها نیز داستان‌هایی بنویسید؟

علی تاجبخش: بله. این شاید یکی از علایق شدید من است. ولی نزدیک به سی سال است که از ایران دورم و بدون هیچ بازگشتی به ایران. آن تصویری که من از ایران دارم متفاوت است با تصویر فعلی ایران. مردمان ایران اینک دیگر برای من آشنا نیستند. من دوست دارم آن چیزی را که درباره‌اش می‌نویسم تجربه‌ای در موردش داشته باشم و آن را حس کنم. در رابطه با آنچه در آن جا می‌گذرد، چون از مکان دور شده‌ام، باید برای سوژه داستان‌هایم، بویژه درباره جوانان، تنها به شنیده‌هایم اکتفا کنم.

برای نوشتن به تجربه مکان و زمان نیاز هست، به تجربه زیست در محیط و لمس وقایع تا پایه‌ای باشد برای تخیلات و آرزوهای بعدی در نگارش که ما از آن دور افتاده‌ایم.



جمال آریان: آیا داستان‌های دیگری در دست انتشار دارید؟

علی تاجبخش: بله، داستان‌های دیگری را هم آماده دارم. در چندتایی از آنها باید تجدید نظرهایی در برخی از جزئیات بکنم. اما در این داستان‌ها نیز بدون تردید «عشق» محور اصلی است و حرف‌نهایی را می‌زند اما به شیوه‌هایی دیگر.

جمال آریان: برخورد مطبوعات و نویسندگان و خوانندگان با کتاب داستان شما چگونه بوده و چه تأثیری بر کارهای آینده‌تان می‌گذارد؟

علی تاجبخش: می‌دانید توزیع کتاب‌های ما ایرانیان در آمریکا کار بسیار مشکلی است. در همین دالاس، کتاب‌فروشی ایرانی نداریم و نویسنده باید در مغازه خواروبار فروشی کتابش را برای فروش عرضه کند. استاد صدرالدین الهی، که روزنامه‌نگار سابقه و داستان‌نویسی متبحر است، داستان‌ها را خوانده و با لطف بسیار، داستان «ملک» را به تمام در بخش «یادداشت‌های بی‌تاریخ» در کیهان لندن چاپ کرده است.

آن را در قالب داستان کوتاه ارائه کنم. در روند وقایع متفاوت که در دوران‌های متفاوت با نشانه‌هایی که از آن دوران ارائه می‌شود، مثل پیراهن سفید، نوع خاصی از سیل، این اشخاص ایدئولوژی‌های خاصی را نمایندگی می‌کنند.

جمال آریان: چرا در داستان «ملک» به جنگ با برداشت «سعدی» رفته‌اید و روایت خود را از آن به صورتی دیگر ارائه کرده‌اید؟

علی تاجبخش: همیشه برای من جالب بوده که مشخصاً در داستان‌ها یا حکایاتی که سعدی روایت می‌کند، بخصوص در گلستان، شخصیت‌هایی دیده می‌شوند که بسیار زنده و جان‌دار هستند با یک سری مشخصه‌های معلوم و اکثراً نصیحت‌گر. که البته خود سعدی نیز با خلق داستان و دخالت مستقیم در آن، همین نقش نصیحت‌گر و پندآموز را ارائه می‌دهد.

اما در داستان «ملک» احساس کردم که می‌شود واقعیت عرضه شده را به صورتی دیگر نیز مطرح کرد. در داستان سعدی، پادشاهی با قدرت ارائه شده که به نظر من این پادشاه بسیار ضعیف و ناتوان است با نقاط ضعف فراوان از جمله خشن، مست، کتک‌زن و فحاش. شکل بازخواست ملک در روز پس از بخشیدن کنیز به غلام، در واقع نقطه اوج شخصیت ناتوان «ملک» است. چرا که به عوض سرزنش خود در دادن فرمان بخشایش در هنگام مستی، دیگران را بازخواست می‌کند که چرا به او گوش داده‌اند و فرمانش را اجرا کرده‌اند. زیرا فرمان او منجر به آمیزش غلام با کنیز شده است. بنابراین من ضعف ملک را گسترش دادم و رسیدم به این که «ملک» می‌تواند اصولاً آدمی باشد عاشق، زبون‌در حلقه‌پر توان عشق، که در نتیجه آدمی است فاقد قدرت و ضعیف در عرایض و فرامین.